

قیام ۱۹ دی قم، سر آغاز انقلاب اسلامی

یعنی قطعاً کسانی که گفتند پروردگار ما خدای یکتاست و بر عهد و پیمان خود با پروردگاری بر این ایمان خود ثابت قدم ماندند و استقامت ورزیدند، فرشتگان الهی بر آنها نازل می شوند ...



مرتضی نجفی قدسی

قیام ۱۹ دی قم، سر آغاز انقلاب اسلامی

«إِنَّا لَذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخْفُوا وَلَتَخَرُّوا وَأَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ»
(فصلت: آیه ۳۰)

یعنی قطعاً کسانی که گفتند پروردگار ما خدای یکتاست و بر عهد و پیمان خود با پروردگاری بر این ایمان خود ثابت قدم ماندند و استقامت ورزیدند، فرشتگان الهی بر آنها نازل می شوند و به آنها می گویند دیگر هیچ ترسی از وقایع آینده و هیچ اندوهی از گذشته خود نداشته باشید و شما را به همان بهشتی که انبیاء وعده دادند، بشارت باد.

رحلت شهادت گونه مرحوم آیت الله حاج آقای مصطفی خمینی در آبان ماه سال ۱۳۵۶ موجی از بیداری را در جامعه مذهبی و دینی ایران بخصوص در حوزه های علمیه و بازاریان پدید آورد و به همین جهت مجالس یادبود متعددی در شهرهای مختلف برگزار شد و دوباره نام و یاد مرجع تبعیدی ملت ایران یعنی حضرت آیت الله العظمی خمینی را در دل ها زنده کرد، از این رو رژیم سفاک پهلوی در پی مقابله با این جریان بیداری، پدید آمده برخاست و طبق اسناد مرکز انقلاب اسلامی در اواسط دی ماه ۱۳۵۶ پیک دربار، نامه ای مهور شده را به وزیر اطلاعات و جهانگردی می رساند، داریوش همایون وزیر اطلاعات نیز این نامه را جهت درج به روزنامه اطلاعات می سپارد.

سناتور مسعودی صاحب امتیاز روزنامه پس از مطالعه نامه، آن را تند و تحریک آمیز می بیند و برای اطمینان بیشتر با وزیر اطلاعات و نخست وزیر مذاکره می کند و متوجه می شود برخی از مفاد این مقاله تند و تحریک آمیز بانظرمستقیم شخص شاه بوده و بالاخره در روز ۱۷ دی ماه مقاله ای با عنوان «ایران و استعمار سرخ و سیاه» به قلم مستعار «احمد رشیدی مطلق» در صفحه ۷ روزنامه اطلاعات به چاپ می رسد.

در این مقاله سخنان توهین آمیز شاه نسبت به روحانیت که قبلاً چندین بار مطرح کرده بود، مجدداً توسط نویسنده مقاله تکرار شده بود و در حقیقت کوشیده بود تا حزب کمونیست توده و روحانیت را به عنوان استعمار سرخ و سیاه معرفی کند و آنها را همدست یکدیگر توصیف و علاوه بر اینها توهین هایی هم به مرجعیت شیعه یعنی آیت الله العظمی خمینی که به نجف اشرف تبعید شده بودند، کرده بود.

عصر روز هفدهم دی ماه که روزنامه اطلاعات به قم می رسد، طلبه ای جوان این مقاله را می خواند و بلافاصله به منزل آیت الله یزدی که شبها روضه داشتند، می رود و با

صدائی بلند و آتشین حاضران در مجلس روضه را در جریان این توهین قرار می دهد که بلافاصله آیت الله یزدی به منزل حضرت آیت الله حسین نوری همدانی می رود تا با معظم له در این خصوص صلاح و مشورت کند.

حضرت آیت الله نوری همدانی بلافاصله در همان شب تعدادی از علماء و بزرگان حوزه را از جمله حضرات آیات عظام: علی مشکینی، وحید خراسانی، مکارم شیرازی، جعفر سبحانی، محمد مؤمن، محمد محمدی گیلانی، حسن طاهری خرم آبادی برای جلسه ای فوری و مهم دعوت می کند و همگی در منزل ایشان مجتمع می شوند و پس از بحث و بررسی فراوان تصمیم می گیرند که در اعتراض به این حرکت توهین آمیز رژیم شاه، روز ۱۸ دی، همه دروس را تعطیل کنند و در روز ۱۹ دی نیز آقایان اساتید حوزه در درسها به این موضوع پرداخته و مخالفت خود با مفاد این مقاله را اعلام نمایند.

حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی در این زمینه می فرماید: «پس از انتشار مقاله، یعنی شب ۱۸ دی، اساتید حوزه علمیه قم در منزل اینجانب اجتماع کردند تا تصمیمی در این مورد گرفته شود که چه باید کرد، بعد از صحبت های زیاد، مدرسان حوزه تصمیم گرفتند درسها و مباحث حوزه را تعطیل کنیم و در مقابل رژیم شاه، عکس العمل شدید نشان دهیم و به هر قیمتی که هست سخت مقاومت کنیم.

البته مدرسان و استادان حوزه برای تأثیرپذیری بیشتر کار، قرار گذاشتند تا مراجع تقلید نیز در اقدامی هماهنگ، درسهای خارج

خود را تعطیل کنند، بر این اساس مراجعی چون: شیخ مرتضی حائری، سید محمدرضا گلپایگانی، سید کاظم شریعتمداری، سید شهاب الدین نجفی مرعشی و میرزا هاشم آملی (رحمهم الله) با تعطیل کردن درس‌ها موافقت و استادان و مدرسان و طلاب و مردم قم را در این حرکت همراهی و هدایت کردند. طبق آنچه در تاریخ و اسناد انقلاب اسلامی آمده است، صبح روز یکشنبه ۱۸ دی ماه طلاب با تجمع در میدان آستانه حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) به سردادن شعارهایی چون «درود بر خمینی» و «مرگ بر این حکومت یزیدی» پرداختند که نیروهای پلیس به آنها حمله کرده و در صدد متفرق کردن آنها برآمدند. در این هنگام مردم و طلاب به صورت خود جوش به بیت مرجع بزرگ شیعه حضرت آیت‌الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی پناه می‌برند و حیاط منزل ایشان و اطراف آن پر از جمعیت انقلابی و خشمیگن می‌شود.

حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی در جمع معترضین به ایراد سخن می‌پردازند و سخنرانی خود را با آیه «إِنَّا لِلّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» شروع می‌کنند و با قرائت این آیه به کنایه از اینکه ما برای مرگ وشهادت آماده هستیم، جمعیت بسیار به گریه می‌افتند و فضای بسیار

حزن آلودی ایجاد می‌شود، به طوری که طلاب و مردم آماده فدا کردن جانهایشان می‌شوند. آیت‌الله العظمی گلپایگانی در ادامه می‌فرماید: «این‌ها به ایشان (آیت‌الله خمینی) توهین نکردند، به ما توهین کردند، چرا که در حقیقت آنها می‌خواستند بگویند آن آقا (آیت‌الله خمینی) با ما مخالف است و معنای حرفشان این است که ما با اینها (رژیم شاه) موافق هستیم، در حالی که چنین نیست، ما از گذشته با رژیم مخالف بوده‌ایم، الآن هم مخالف هستیم و در آینده هم مخالف هستیم، اینها اشتباه می‌کنند و دارند راه را بیراهه می‌روند، اینها فکر می‌کنند ما دیگر سکوت کرده‌ایم و چیزی نخواهیم گفت و دست بر می‌داریم، اینها باید بدانند که اگر سر نیزه را حتی زیر گلوئی ما بگذارند، ما حرفمان را می‌زنیم!»

این حرکت تجمع در بیوت مراجع ادامه پیدا می‌کند و عصر همان روز ۱۸ دی ماه طلاب و مردم انقلابی قم در حسینیه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مجتمع می‌شوند و این مرجع بزرگ و عالی مقام نیز با گریه و ناراحتی بسیار از انتشار این مقاله توهین‌آمیز اعلام انزجار کرده و خطاب به رژیم شاه می‌گویند: «چرا شما یک پدر داغدار را مورد اهانت قرار دادید؟! ... خدا می‌داند از وقتی که این جریان را شنیده‌ام، دچار چشم درد شده‌ام (کنایه از شدت تألمات و گریستن).

در غروب همان روز، نماز جماعت با شکوه تظاهر کنندگان به امامت آیت‌الله حاج شیخ مرتضی حائری فرزند مؤسس حوزه علمیه قم در مسجد اعظم برگزار شد و پس از آن به شعارهای کوبنده‌ای همانند «مرگ بر حکومت پهلوی»، «درود بر خمینی»، «مرگ بر این حکومت یزیدی» پرداختند و البته هنگام خروج، از مسجد درگیری‌هایی با پلیس داشتند ولیکن همه اینها مقدمه‌ای بر قیام ۱۹ دی قم شد.

از صبح روز ۱۹ دی بازار قم یکپارچه تعطیل شد و مردم قم به سوی مسجد اعظم حرکت کردند و مجدداً طلاب و مردم به هم پیوسته و در حمایت از آیت‌الله العظمی خمینی به تظاهرات پرداختند و جمعیت خشمگین مجدداً به سوی بیوت مراجع عظام تقلید در حرکت شدند.

در این روز جمعیت ابتدا به بیت آیت‌الله العظمی میرزا هاشم آملی رجوع کرده و ایشان نیز طی بیاناتی از مقاله منتشره اعلام بیزاری کرده و از شخصیت آیت‌الله خمینی تجلیل می‌کنند، پس از آن جمعیت طلاب و معترضان، به درب خانه علامه طباطبایی صاحب تفسیر گرانقدر المیزان می‌آیند و ایشان نیز با وجود بیماری جسمی، طی سخنان کوتاهی مقاله روزنامه اطلاعات را محکوم می‌کنند و از تظاهر کنندگان اعلام پشتیبانی می‌نمایند و آنگاه از آیت‌الله یزدی که همسایه ایشان بودند، تقاضا می‌کنند برای تظاهر کنندگان سخنرانی نمایند. در ادامه این اعتراضات، جمعیت به سوی خانه آیت‌الله مکارم شیرازی حرکت می‌کنند و سپس به اتفاق ایشان به مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع) که فضا و گنجایش بیشتری داشت، می‌روند و معظم له نیز طی بیانات مهمی هشدار دادند که این اهانت، تنها به آیت‌الله خمینی نیست، بلکه به همه مقدسات و همه روحانیت توهین شده است، لذا باید از هر گونه جدائی و تشتت بپرهیزیم، اگر بناست زنده بمانیم همه زنده بمانیم و اگر بناست بمیریم، باید همه بمیریم!

پس از آن تظاهر کنندگان به منزل آیت‌الله وحید خراسانی می‌روند و در آنجا نیز معظم له طی بیاناتی انتشار مقاله روزنامه اطلاعات را محکوم کرده و آن را «نوشته‌ای پلید» می‌نامند. در ادامه این حرکت‌ها، طلاب تصمیم می‌گیرند که بعد از ظهر به دیدار آیت‌الله حسین نوری همدانی بروند و انقلابیون تدارک بیشتری می‌کنند به طوری که تمام کوچه بیگدلی را از روی پشت بام‌ها بلندگو کشی می‌نمایند و بعد از ظهر روز ۱۹ دی ماه هزاران نفر از طلاب، فضلا و مردم انقلابی قم در بیت آیت‌الله نوری همدانی و سرتاسر کوچه ایشان تجمع می‌کنند که بزرگترین این تجمع‌ها محسوب می‌شود و حضرت آیت‌الله نوری همدانی نیز سخنرانی بسیار طوفنده‌ای بر علیه رژیم شاه ایراد می‌کنند و نام آیت‌الله العظمی خمینی را در سخنان خود طوری مطرح می‌کنند که شور و هیجان، تمام جمعیت را دربرمی‌گیرد و پس از آن اشعاری را بر زبان جاری می‌کنند که:

شمع حق را پف کنی تو ای عجز هم تو سوزی هم سرت ای گنده پوز!
چون تو خفاشان بسی بینند خواب این جهان ماند یتیم از آفتاب
مه فشاند نور و سگ عوعو کند هر کسی بر طینت خود می‌تند!

این جمعیت انبوه و خشمگین پس از شنیدن سخنرانی مهیج حضرت آیت‌الله نوری همدانی به سمت منزل آیت‌الله سلطانی طباطبایی حرکت می‌کنند که در سر چهار راه بیمارستان، مأموران مسلح رژیم به تظاهر کنندگان حمله می‌کنند و عده‌ای به شهادت می‌رسند و عده زیادی مجروح می‌شوند و بسیاری از مردم به مدارس علمیه پناه می‌برند و بالاخره تا پاسی از شب، خیابان‌های صفائیه، حجتیه وارم قم صحنه درگیری نیروهای نظامی با مردم بود که آمار شهداء و مجروحین روشن نیست، گرچه روزنامه اطلاعات آمار کشته‌ها را

۶ نفر و آمار زخمی‌ها را ۸ نفر اعلام کرد ولیکن

حضرت آیت‌الله‌العظمی خمینی در پیامی که به همین مناسبت خطاب به ملت ایران از نجف اشرف صادر کردند، به این جنایت رژیم شاه اشاره کرده و مرقوم فرمودند که شاه، جمعیت بی‌گناه فراوان، از جوانان حوزه علمیه و متدینین غیور شهر مذهبی قم را در خاک و خون کشید، و به قتل‌رساند و تا کنون آمار آنها در دست نیست و مقتولین را از هفتاد تا سیصد، تا حال گفته‌اند و عدد مجروحین را خدا می‌داند!

آنچه گفتیم شمه‌ای از قیام ۱۹ دی مردم و طلاب حوزه های علمیه قم در سال ۱۳۵۶ بود که سر آغاز انقلاب اسلامی ملت ایران گردید و پس از آن چهل‌ها شهید در شهرهای مختلف کشور به جریان افتاد و قیام مردم تبریز و دیگر شهرها و در نهایت وارد شدن تمام

ملت ایران در صحنه انقلاب اسلامی بود که بحمد الله این نهضت همچنان ادامه دارد و

ایران اسلامی بر عهد و پیمان خود با امام خمینی، ثابت قدم و استوار است و در سایه رهبری‌های مقتدرانه رهبر بزرگوار و مقام معظم ولایت فقیه بر ادامه راه شهداء و امام شهداء رضوان الله علیهم اجمعین مصمم است، بعون‌الله تعالی.

مدیر دارالقرآن علامه طباطبایی(رض)

خادم القرآن مرتضی نجفی قدسی